



«وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ رَسُولِي بِهَذَا الْكِتَابِ، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ أَكثُونَ قاصدم را با این نامه به سوی شما فرستادم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانم. پس به راستی سنت [پیامبر] مرده و بدعتها زنده شده است. پس اگر سخنان مرا بپذیرید واز امرم اطاعت کنید، شما را به راهی که رشد و اصلاح شما در آن است هدایت می کنم. سلام و رحمت خدا بر شما باد».

تاریخ طبری/ ج ۴/ ص ۲۶۶ و بحار الانوار/ ج ۴۴/ ص ۲۴۰

• مروری بر مباحث جلسات گذشته

• دسته بندی کلی در پیروی و یا عدم پیروی از وحی

• تفاوت در عقیده میان معتقدین به وحی یکی از عوامل عدم تحقق هدف انبیاء

○ تفاوت در نحوه و ایمان و معرفت نسبت به وحی

• دسته بندی افراد در تبعیت از وحی و انبیاء

○ دیدگاه حداقلی و حداکثری نسبت به وحی و کارایی آن

• **لازمه دین کامل و دربرگیری تمامی نیازهای انسان**

• لازمه تحقق هدف انبیاء در دین چگونه بیان شده است

○ دو عامل و روش مهم در بررسی صحت نظریه کارایی دین در سعادت بشر

▪ نگاه درون دینی : وحی و تشریح و جایگاه ویژه آن در تحقق هدف انبیاء

▪ نگاه برون دینی : عقل سرمایه وجودی انسان

• اشاره به دلایل مطرح شده در جلسات گذشته

• فعلی که لازمه آن کمال است نیاز به فاعل کامل دارد

• بشر در مسیر تکامل به قانون و دستورالعمل نیاز است

• **حق و تکلیف در نظر کارشناسان**

○ میشل تروپه در این باره می نویسد :

▪ حقوق بر همه جلوه های زندگی ما حاکم است . همین که کودک به دنیا می آید باید تولد او اعلام شود ، نامی که بر او

گذاشته می شود ، باید بر طبق پاره ای از قاعده ها باشد . قاعده های دیگری مقرر می دارد که باید نام او در مدرسه ای

نوشته شود . وقتی کوچک ترین چیزی می خریم یا سوار اتوبوسی می شویم ، در اجرای قراردادی این کار ها صورت می

گیرد . بر طبق حقوق ما ازدواج می کنیم . کار می کنیم ، به درمان بیماری خود می پردازیم ..ما از این حضور همیشگی

حقوق آگاهیم و می توانیم ان را به کار ببریم .»

• تروپه ، میشل ، ۱۳۸۶، ص ۹

○ رونالد دورکین در هین رابطه می گوید :

▪ « ما در عالم حقوق و بوسیله آن زندگی می کنیم . حقوق سازنده آن چیزهایی است که ما هستیم : اتباع یک کشور ،

کارمندان و پزشکان ، زنان و شوهران و دارندگان اموال ؛ هم شمشیر است ؛ هم سپر است و هم خود منشأ تهدید و آزار

: برای گرفتن مزدمان پافشاری می کنیم ، از دادن اجاره بهایمان امتناع می کنیم ، مجبور به پرداخت جریمه یا تحمل



حبس می شویم، همه و همه با استناد به آنچه حاکم و فرمانروای مطلق و ملکوتی؛ حقوق؛ مقرر نموده است. حتی وقتی کتابهایی که قرار است فرامین و دستورات آن را ثبت و ضبط کنند، در سکوت به سر می برند ما باز در مورد آنچه حقوق مقرر نموده بحث و استدلال می کنیم؛ انگار که حقوق احکام خود را زیر لب زمزمه کرده؛ اما آنقدر ضعیف و آهسته که به سختی شنیده می شود. ما رعایای امپراطوری حقوق هستیم و تحت سلطه روش ها و آرمان های آن به سر می بریم؛ و وقتی راجع به اینکه پس چه باید بکنیم بحث می کنیم روح و ضمیرمان توسط حقوق به بند کشیده است.

○ حق و تکلیف در دست کسی که شناخت کامل نسبت به تک تک افراد دارد.

● خواجه نصیر الدین طوسی و بیانی درباره کمال انسانی (اقتباس از کتاب اخلاق ناصری)

○ نفس انسانی دارای کمال و نقص است. اکنون به منظور آگاهی بر حقیقت آن کمال و ایجاد شوق در جهت کسب آن، به شرحی پیرامون آن کمال می پردازیم. کمال هر موجود مرکبی غیر از کمال اجزای آن است؛ مثلاً کمال سکنجبین غیر از کمال سرکه و کمال انگبین و یا کمال منزل غیر از کمال خشت و گل و سنگ و چوب است. و چون انسان مرکب است کمال او نیز غیر از کمال اجزای اوست.

○ کمال انسان بر دو گونه است:

▪ کمال قوه علمی

● اما کمال قوه علمی آن است که به سوی ادراک معارف و نیل علوم شایق باشد تا به مراتب موجودات و حقایق آنها به اندازه توان آگاهی و اطلاع پیدا کند و سپس به شناخت مطلوب حقیقی و غرض کلی مشرف شده تا به عالم توحید بلکه «مقام اتحاد» دست یابد و دل او آرام و مطمئن گردد و غبار حیرت و زنگار شک از چهره ضمیر و آینه خاطر و سترده شود. حکمت نظری تماماً مشتمل بر تفصیل این نوع کمال است.

▪ کمال قوه عملی

● کمال قوه عملی آن است که قوا و افعال مخصوص آنها را به نظم و انتظام در آورد تا مطابق و موافق یکدیگر شوند و به واسطه تسالم بین آنان، اخلاق شایسته ای نصیب او گشته و سپس به اصلاح و تکمیل دیگران یعنی تدبیر منزل و اداره شهر بپردازد. این کمال، مطلوب حکمت عملی است که در این کتاب گذرا به آن خواهیم پرداخت.

● اشاره به دو آیه در تحقیق درون دینی در حاکمیت کامل الهی و دال بر جامعیت قرآن

● آیاتی که در بحث از جامعیت قرآن کریم مورد استناد قرار گرفته، عبارتند از:

○ آیه اول: **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ**

▪ اشاره دوباره به معنای امت و ملت

● منظور از امت اسلامی، مردم جوامعی هستند که دین اسلام را بعنوان آیین و دین سعادت بخش در دو قلمرو مادی و معنوی پذیرفته اند.

● امام معصوم عامل تحقق امت اسلامی



○ عبدالله بن عباس می گوید: نزد پیامبر بودیم که فردی اعرابی وارد شد و گفت: شنیدم که فرموده‌اید: «اعتصموا بحبل الله»؛ منظورتان از ریسمان خدا چیست؟! پیامبر(ص) دستشان را به دست امام علی(ع) زده و فرمود: «به این مرد پیوندید که او ریسمان محکم است».

▪ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۷۲، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

○ عن فاطمة الزهراء (سلام الله علیها): «و جعل طاعتنا نظاماً للملّة و امامتنا اماناً من الفرقة»

▪ خداوند پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و رهبری ما را عامل در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.

▪ بررسی شرایط تحقق امت انسانی و اسلامی

• قانون کامل

• مجری کامل

• پذیرش و پیروی مردم از مجری و قانون

▪ مراد از کتاب در آیه «ما قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» چیست؟

○ آیه دوم: وَ يَوْمَ نَبَعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ

▪ و روزی که ما در میان هر امتی از (رسولان) خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم و تو را (ای محمد) بر این امت گواه آریم (آن روز سخت را یاد کن و امت را متذکر ساز) ، و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد.

○ آیه سوم: «وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹)؛

▪ و هیچ تر و خشکی نیست، مگر این که در کتابی روشن ثبت است.

○ آیه چهارم: «أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْماً وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلاً» (انعام: ۱۱۴)؛

▪ پس داوری جز خدا جوییم، با این که اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است؟

○ آیه پنجم: «ما كانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَ لکن تصدیقَ الَّذِي بَين يديه و تفصیلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱)؛

▪ سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه (از کتاب هایی) است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیزی است و برای مردمی که ایمان می آورند، رهنمود و رحمت است. روایاتی است که دلالت دارند «تمام علوم و احتیاجات انسان، در قرآن وجود دارد»:

• شواهد و دلایل نقلی و تفسیر معصومین علیهم السلام در اثبات جامعیت قرآن و دین

○ امام علی(ع) در بیانی که در مورد اختلاف علما در فتواست، فرمود:

عذر و عذرت

«أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ دِينًا نَاقِصًا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَىٰ اِتِّمَامِهِ؟ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَ عَلَيْهِ أَنْ يَرْضَىٰ؟ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَقَصَرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَ آدَائِهِ وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» وَ قَالَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ أَنَّهُ لِاخْتِلَافٍ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنْبِيٌّ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَىٰ عَجَائِبُهُ وَ لَا تَكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ».

• (خطبه ۱۸ نهج البلاغه)

• آیا خدا دین ناتمامی فرود آورده و آنگاه از این افراد برای تکمیل و متمم آن استمداد جسته است؟ یا اینها در خلق و فرود آوردن این دین با خدا شریک بوده اند و طبق قانون «حق مساوی شرکا» چون پاره ای از احکام را خداوند بیان کرده و آنها قبول کرده اند، باید پاره ای از احکام را اینان با رأی و خیال خود وضع کنند و خداوند قبول کند؟ یا شقّ سومی در کار است و آن اینکه خداوند دین کامل و تامّی نازل فرموده لکن پیغمبر در تبلیغ و رساندن آن به مردم کوتاهی کرده است و اینها قسمتهایی که پیغمبر اکرم به مردم نرسانده است با رأی و خیال خود آن را وضع می کنند، و حال آنکه خداوند درباره قرآن که به وسیله پیغمبر به مردم ابلاغ شده است می گوید: «ما در این کتاب از بیان هیچ امر لازمی کوتاهی نکرده ایم.» و هم می فرماید: در قرآن بیان هر چیزی که برای مردم لازم است وجود دارد.

○ امام صادق (ع) قسم خوردند که هیچ گاه انسان در حسرت نخواهد بود که چرا فلان مطلب در قرآن وجود ندارد:

▪ **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعَبْدُ، حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا يَسْتَطِيعُ عَبْدٌ أَنْ يَقُولَ «لَوْ كَانَ فِي الْقُرْآنِ هَذَا» إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ؛**

• ۷. الکافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۱؛ المحاسن، برقی، ج ۱، ص ۴۱۶، ص ۹۵۶

• خداوند آیه «تبیاناً لکل شیء» را نازل کرد و به خدا قسم از آنچه انسان به آن نیاز دارد فروگذار نکرد و به خدا قسم هیچ کس قادر نیست بگوید «ای کاش فلان مطلب در قرآن وجود داشت!» زیرا هر آنچه انسان نیاز داشته باشد، خداوند در مورد آن، آیه ای نازل کرده است.

▪ تمام علوم و احتیاجات انسان، در قرآن وجود دارد

○ امام باقر علیه السلام و اشاره به کلام نبوی در حجه الوداع

▪ دین الهی که به کمال نهایی خود رسیده و مورد رضایت خداوند قرار گرفته است:

• **اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا (۳۸۸)**

▪ **عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ع فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يَبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يَبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ إِلَّا وَ إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَنَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّىٰ تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَ لَا يَحْمِلِ أَحَدُكُمْ اسْتِبْطَاءَ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ**



رسول خدا (ص) در سخنرانی حجة الوداعش فرمود: آیا مردم، به خدا هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از دوزخ دور کند جز آنکه به شما فرمان دادم بدان، و هیچ چیزی نیست که شما را به دوزخ نزدیک و از بهشت دور کند جز آنکه شما را از آن نهی کردم، هلا روح الامین در دلم افکند که هیچ دم زنی نمیرد تا روزی خود را کاملا بگیرد، از خدا بپرهیزد و در جستن روزی آرامی کنید و اگر روزی یکی از شما دیرتر رسد او را وادار نسازد که از راه نامشروعش بجوید، زیرا آنچه نزد خدا است جز به طاعت او دریافت نشود.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، ص: ۱۷۲

دینی که بیان کننده همه لوازم سعادت انسان در زندگی فردی و اجتماعی اوست: نبیان لکل شی (۳۸۹) و به گفته رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع، که فرمودند: قسم به خداوند که هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک می کند و از جهنم دور می سازد، مگر آنکه شما را به آن، امر کردم و هیچ چیزی نیست که شما را به جهنم نزدیک می کند و از بهشت دور می سازد، مگر آنکه شما را از آن، نهی کردم

• امام صادق علیه السلام و تایید بر علم پیامبر و امامان بر حلال و حرام به نحو کامل و تمام

○ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ وَجَدْتُ بَخْطَ أَبِي يَعْنِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَرُويهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَقُولُ غَيْرَ مَرَّةٍ لَوْ لَأَنَا نَزَادُ لَأَنْفَدْنَا قَالَ أَمَّا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ فَقَدْ وَاللَّهِ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ ص بِكَمَالِهِ وَ مَا يُزَادُ الْإِمَامُ فِي حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا هَذِهِ الزِّيَادَةُ قَالَ فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ سِوَى الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ قَالَ قُلْتُ فَتَزَادُونَ شَيْئًا يَخْفَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَا إِنَّمَا يَخْرُجُ الْأَمْرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَيَأْتِي بِهِ الْمَلِكُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ بِأَمْرِكَ بِكَذَا وَ كَذَا فَيَقُولُ أَنْطَلِقْ بِهِ إِلَى عَلِيٍّ ع فَيَأْتِي عَلِيًّا فَيَقُولُ أَنْطَلِقْ بِهِ إِلَى الْحَسَنِ فَيَقُولُ أَنْطَلِقْ بِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ فَلَمْ يَزَلْ هَكَذَا يَنْطَلِقُ إِلَيَّ وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْنَا قُلْتُ فَتَزَادُونَ شَيْئًا لَا يَعْلَمُهُ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ وَيْحَكَ يَجُوزُ أَنْ يَعْلَمَ الْإِمَامُ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ الْإِمَامُ مِنْ قَبْلِهِ

به حضرت صادق علیه السلام گفتیم از شما بارها شنیده‌ام که فرموده‌اید اگر بما افزایش ندهند علم ما پایان می پذیرد فرمود: اما حلال و حرام را که خداوند بطور کامل بر پیامبر اکرم نازل کرد اما در مورد حلال و حرام چیزی افزایش ندارد. عرض کردم پس این افزایش چیست؟ فرمود: در سایر چیزها است غیر حلال و حرام عرض کردم آیا چیزی بشما اضافه میدهند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع نداشته باشد فرمود: نه مطلب از جانب خداوند بوسیله ملک به پیامبر اکرم میرسد فرشته میگوید یا محمد پروردگارت چنین دستور میدهد او مراجعه بعلی علیه السلام میدهد می آید پیش علی او نیز میفرماید برو پیش حسن آن جناب بحسین علیه السلام بهمین ترتیب یکی پس از دیگری تا میرسد بما.

عرض کردم ممکن است بشما چیزی اضافه بدهند که پیامبر نداند فرمود وای بر تو آیا جایز است امام چیزی را بداند که پیامبر نداند با اینکه از جانب او باین مقام و منصب رسیده.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۶، ص: ۹۲



○ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ
 إِنَّ عِنْدَنَا لَصَحِيفَةً طَوَّلُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ خَطَّ عَلَيَّ ع بِيَدِهِ مَا مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ إِلَّا وَ هُوَ فِيهَا حَتَّى أُرْسِنَ الْخَدَشَ

▪ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۶، ص: ۲۳

○ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع لَمَّا حَضَرَهُ الَّذِي حَضَرَهُ دَعَا ابْنَتَهُ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ الْحُسَيْنِ ع فَدَفَعَ إِلَيْهَا كِتَابًا مَلْفُوفًا
 وَ وَصِيَّةً ظَاهِرَةً وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع مَبْطُونًا مَعَهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنَّهُ لَمَّا بِهِ فَدَفَعَتْ فَاطِمَةُ الْكِتَابَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع ثُمَّ صَارَ وَ
 اللَّهُ ذَلِكَ الْكِتَابَ

▪ امام باقر علیه السلام به ابی الجارود فرمود: چون شهادت حسین (ع) در رسید وصیت خود را در یک کتاب در هم پیچیده به دخترش فاطمه سپرد و چون کار حسین (ع) بدان جا که مقدر بود کشید آن کتاب را به علی بن الحسین (ع) داد، به آن حضرت گفتم: در آن چه بود- یرحمک الله-؟ فرمود: هر چه فرزندان آدم بدان نیازمندند از روزی که دنیا به وجود آمده تا تمام شود.

• الکافی، ج ۱، ص: ۳۰۴

• بررسی نظریه علامه طباطبائی در بیان جامعیت قرآن با توجه به آیات اولیه سوره مبارکه زخرف

○ حم

○ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

○ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

○ وَإِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدِينًا لَعَلِّيَّ حَكِيمٍ

○ أَ فَتَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ

○ وَ كَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍِّّ فِي الْأَوَّلِينَ

○ وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ

▪ از ظاهر این جمله برمی آید که سوگند است ، و جواب آن جمله ((انا جعلناه قرانا عربيا)) تا آخر دو آیه - می باشد. و این که قرآن را کتابی مبین خوانده ، بدین جهت است که قرآن طریق هدایت را ظاهر می کند، همچنان که فرموده: ((و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء)) (و یا بدین جهت است که خودش ظاهر و روشن است ، و نقطه ضعفی در آن نیست ، همچنان که در این باره نیز فرموده: ((ذلک الکتاب لا ریب فیہ))

▪ در نتیجه از این آیه فهمیده می شود که کتاب بر حسب موطن نفس الامری و واقعیتش ما فوق فکر و اجنبی از عقول بشری است، و خدای تعالی آن را از آن موطن پایین آورده، و در خور فهم بشر کرده، و به لباس واژه عربیت در آورده، به این امید که عقول بشر با آن انس بگیرد و حقایقش را بفهمد. و چون استعمال کلمه " امید " در باره خدای تعالی صحیح نیست، لا جرم باید گفت امید قائم به مقام و یا به مخاطب است، نه به خود گوینده، که خدای تعالی است.

▪ قرآن کریم در موطن اصلیش ما فوق تعقل عقول است . ضمیر در (انه) به کتاب بر می گردد. و مراد از (ام الکتاب) لوح محفوظ است ، همچنان که آیه (بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) به آن تصریح دارد. و اگر لوح محفوظ را (ام الکتاب)

امام حسین علیه السلام و تبیین
موانع تحقق هدف انبیاء علیهم السلام
جلسه دوازدهم
۶ آبان ماه ۱۳۹۵



ریز موضوعات
سخنرانی
دکتر اسدی گرمارودی
(با اندکی تصرف)

نامیده ، بدین جهت است که لوح محفوظ ریشه تمامی کتب آسمانی است ، و هر کتابی آسمانی از آن استنساخ می شود.
و اگر کلمه ((قرآن)) (را مقید به قید (ام الکتاب) و (لدینا) کرد، صرفاً به منظور توضیح است ، نه احتراز. ساده تر بگوییم :
برای این بود که بفرماید قرآن همان کتابی است که نزد ما است ، نه اینکه بفرماید قرآن دو تا است یکی نزد ما و یکی
هم نزد دیگری.

- لینک فایل صوتی سخنرانی
- http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.08.06_012.mp3
- فایل ریز موضوعات و خلاصه سخنرانی
- http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.08.06_012.pdf